

## کاربرد عملیات روانی در پشتیبانی از عملیات تاکتیکی

مرتضی بهمنش<sup>۱</sup>

### چکیده

عملیات روانی از عوامل مهم پشتیبانی از یگان‌ها در میدان جنگ است با کاربرد صحیح آن میل به جنگیدن در نیروهای خودی تقویت می‌شود و در عوض روحیه دشمن تضعیف می‌گردد. یگانی در جنگ موفق خواهد بود که بتواند عملیات روانی را بنحو مطلوب در پشتیبانی از عملیات تاکتیکی بکار گیرد. عملیات روانی کم هزینه تر از کاربرد سایر سلاح بوده و در همه اعصار و جنگ‌ها کم و بیش استفاده می‌گردد. مهمترین عامل موفقیت در جنگ انگیزه و اعتقاد ملی و مذهبی است، عملیات روانی این عوامل را مورد حمله قرار داده و رزمنده را در انگیزها و اعتقاداتش مورد تردید قرار می‌دهد. در دنیای کنونی برای هر عملیات نظامی ابتدا باید جامعه خود و هدف و جامعه جهانی را آماده نمود و برای این امر بهترین عامل استفاده از ابزار عملیات روانی است.

### کلید واژگان :

عملیات رزمی، عملیات روانی، عملیات تاکتیکی

## مقدمه

جنگ طی قرون متمادی فکر آدمی را به خود مشغول داشته و این پرسش را به وجود آورده است که جنگ چیست و اثرات آن کدام است؟ آیا جنگ فقط توسل به خشونت و خونریزی است یا اینکه انواع دیگری هم دارد؟ یقیناً بشر قبل از توسل به خشونت و خونریزی راه‌های دیگری را جهت تحمیل اراده جستجو کرده ولی از آنجایی که به دنبال نتیجه آنی بوده است، لذا برخورد فیزیکی را بهتر پسندیده است.

اما در تداوم تاریخ و تکامل اجتماعی و ظهور منادیان نجات انسان‌ها و مذموم شناخته شدن خونریزی و خشونت، بشر به فکر یافتن راه‌های دیگری غیر از برخورد فیزیکی افتاد. از آنجایی که بشر ابزاری به نام «زبان» را در اختیار داشت و می‌توانست با آن با هم‌نوع خود رابطه برقرار کند، لذا به فکر استفاده از این ابزار برای تحمیل اراده و تحت سلطه قرار دادن دیگران افتاد. به رغم تفاوت ابزار، از آنجایی که هدف در هر دو اقدام یکی بود، نام این یکی را نیز جنگ گذاشت. در جنگ‌های معمول نظامی، تلاش می‌شود با تکیه بر قدرت فیزیکی و از طریق ایجاد خسارات بعضاً جبران ناپذیر انسانی، اقتصادی و نظامی کشور هدف را به اطاعت و تسلیم وادار کرد. در این جنگ، نتیجه سریع و ملموس تر است و نیاز به قدرت فیزیکی برتر نسبت به دشمن دارد. تجربه‌ی تاریخی بشر ثابت کرده است، تنها قدرت برای اثرگذاری بر دشمن کافی نیست و پیروزی محسوب نمی‌شود بلکه آتش‌بس، روش هوشمندانه‌ای برای آماده شدن به ضدحمله است. از همین رو تأثیرگذاری بر اذهان، نیروها و مردم کشور هدف یکی از مهمترین عناصر پیروزی است که باید راه‌ها و روش‌های آن شناسایی شود. یکی از این راه‌ها، عملیات روانی است. عملیات روانی وسیله‌ای غیرکشنده، برای تأثیرگذاری بر روان مردم کشور هدف بوده و در این عملیات فرض بر این است که توان جنگیدن دشمن بر نیروی انسانی معطوف به جنگ استوار است. در واقع عملیات روانی به منزله‌ی شیوه‌ای غیر خشونت‌آمیز، بر عواملی مانند منطق، ترس، رغبت و دیگر عوامل روانی تکیه می‌کند تا هیجان‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای خاصی را در مخاطبان پدید آورده و اراده معطوف به جنگ را در او کاهش داده و یا از بین ببرد.

علیرغم نفرت بشر از خونریزی ولی تمایل فطری بشر برای به تسلیم درآوردن محیط و هر آنچه که در آن است از جمله انسان، کماکان جنگ و خونریزی در دستور کار اوست ولی با توجه

به گسترش وسایل ارتباط جمعی، کشتار انسان‌ها با واکنش‌های تند و خصمانه‌ی افکار عمومی رو به رو می‌شود. بنابراین باید از ابزارهای جدیدی استفاده شود که در عین به حداقل رساندن تلفات انسانی، در برگیرنده‌ی کارکردهای نظامی باشد. در جنگ‌های آینده هر عملیاتی باید به سست کردن اراده جنگیدن افراد دشمن معطوف باشد.

از جمله مؤثرترین شیوه‌های جدید، عملیات روانی است. این نوع عملیات از ابزارها و امکانات فراوانی مانند رادیو، تلویزیون، نشریات نظامی، محلی، ملی و بین‌المللی بهره می‌گیرد.

در حالی که درک ماهیت این جنگ کمی مشکل به نظر می‌رسد، ناچاریم که عناصر تشکیل‌دهنده‌ی این جنگ را بشناسیم تا بتوانیم از آن در دستیابی به اهداف استفاده نموده و از سویی خود را برای مقاومت در برابر آن آماده سازیم. از آنجائیکه وقایع و رخداد‌های تاریخی می‌توانند دستاوردهای این جنگ را در دوران مختلف روشن سازند، پرداختن به رخداد‌های گذشته در شناخت این موضوع سودمند خواهد بود.

### ۱- چشم‌اندازهای تئوریک عملیات روانی در زنجیره صلح و جنگ

ارائه تعریف مشخصی از عملیات روانی یا تعیین حدود آن کار ساده‌ای نیست و تا کنون نوشته‌های متعددی که توسط نویسندگان عنوان شده است، مفهوم عملیات روانی در ذهن بسیاری از مردم مبهم مانده است. عملیات روانی در اذهان مردم مفاهیم مختلف و متغیری را تداعی می‌کند. و حتی کسانی که در این موضوع تخصص دارند، نتوانسته‌اند این اصطلاح را در حوزه‌ای واضح و روشن قرار دهند. البته عدم وجود اتفاق آراء در این مورد نباید این معنی را بدهد که در عملیات روانی هیچ‌گونه هماهنگی‌ای ممکن نیست. بنابراین کاری که در این زمینه باید انجام داد، این است که سعی شود بستری مناسب برای طرح و نزدیک شدن آراء فراهم نمایند و اصول قابل اجرایی برای مجریان عملیات روانی ارائه کنند. (نصر، ۱۳۸۱)

اولین تعریف جنگ روانی، در سال ۱۹۴۱ در ضمیمه‌ی فرهنگ انگلیسی «وبستر» عنوان شد، اما اصطلاح جنگ روانی در روزهای اول جنگ دوم جهانی شناخته شد. در آن زمان گروهی از آمریکایی‌ها با ترجمه‌ی برخی مطبوعات آلمانی می‌خواستند این دریافت را در رهبران آمریکایی ایجاد کنند که آموخته‌های روانشناسی را می‌توان در تمامی زمینه‌های جنگ، در شرایط جدید به کار برد. جنگ روانی در آیین‌نامه‌های رزمی آمریکایی چنین تعریف شده است:

«جنگ روانی استفاده برنامه‌ریزی شده از تبلیغات و سایر اعمالی است که پیش از هر چیز با هدف تأثیر بر نظرات، احساسات، مواضع و رفتار جوامع دشمن، بی‌طرف یا دوست و به شیوه‌ی خاص دستیابی به اهداف ملی صورت می‌گیرد.»

صلاح نصر نویسنده‌ی معروف مصری در کتاب جنگ روانی خود، جنگ روانی را مبارزه با کلام و عقیده می‌داند و می‌نویسد:

«جنگ روانی همان جنگ کلمه و عقیده است، خواه به صورت پنهان، آشکار، شفاهی و یا نوشتاری باشد، اساساً سلاحی است که به انسان و عقل او توجه دارد و هرگاه امکان برقراری ارتباط عاطفی با مخاطب را داشته باشد، می‌تواند به اعماق او نفوذ کند.» (نصر، ۱۳۸۱)

جان کالینز نظریه پرداز و استاد سابق دانشگاه ملی جنگ آمریکا، در تعریف جنگ روانی می‌نویسد:

«جنگ روانی عبارت است از استفاده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن برای نفوذ در خصوصیات فکری دشمن با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد ملی مجری می‌شود.»

(کالینز، ۱۳۷۰)

## ۲- اصول عملیات روانی

- ۱) اصل تمرکز
- ۲) اصل هدف
- ۳) اصل آموزش
- ۴) اصل وحدت فرماندهی
- ۵) اصل هماهنگی عملیات روانی با عملیات نظامی
- ۶) اصل غافلگیری و فریب
- ۷) اصل انعطاف
- ۸) اصل حفظ پشتیبانی مردمی
- ۹) اصل تهاجم و شدت عمل روانی
- ۱۰) اصل کسب و حفاظت اطلاعات
- ۱۱) اصل پوشش عملیات روانی

ج) اصل استفاده از جنگ الکترونیک (مارکسی، ۱۳۸۰)

### ۳- توانایی‌ها و محدودیت‌های عملیات روانی نظامی

یگان‌های عملیات روانی می‌توانند به چندین روش از یگان‌های نظامی حمایت کنند. همچنین امکانات و کارشناسان عملیات روانی ممکن است در دیگر فعالیت‌های فرماندهی عملیات مانند کمک‌های امدادی که از مأموریت یگان‌های نظامی ناشی می‌شوند، به کار گرفته شوند.

امکانات عملیات روانی نیز ممکن است از طرح فریب فرماندهی یا فعالیت‌های نهادهای نظامی یا دیگر نهادهای دولتی حمایت کند، اطلاعاتی را در مورد مخاطبان منطقه و زبان مورد نظر فراهم آورد و اطلاعات و تولیدات عملیات روانی را در میان مخاطبان مورد نظر پخش کند تا بدین ترتیب هدف عملیات نظامی را برای آنها تشریح کند.

برای نمونه، یک فرمانده می‌تواند با بهره‌گیری از این امکانات به افراد غیرنظامی تفهیم کند که هدف عملیات کاهش تلفات غیرنظامی و به حداقل رساندن مداخله‌ی افراد غیرنظامی در عملیات است.

فرماندهان در زمان ایجاد هماهنگی بین عملیات روانی و عملیات نظامی باید توانایی‌ها و محدودیت‌های عملیات روانی را مد نظر داشته باشند (جدول ۱-۲). در این نوع عملیات نیز همانند عملیات‌های نظامی، زمان عامل اصلی است.

برای تضمین حمایت مؤثر عملیات روانی، فرماندهان باید امکانات این عملیات را پیش از استقرار نیرو فراهم آورند. در واقع نبرد عملیات روانی پیش از رسیدن بدنه‌ی اصلی نیروهای رزمی به منطقه آغاز می‌شود. (موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاع، ۱۳۸۵)

**جدول ۱-۲: توانایی‌ها و محدودیت‌های عملیات روانی نظامی**

محدودیت‌ها	توانایی‌ها
> عدم بررسی امکانات عملیات روانی پیش از استقرار نیرو	> افزایش تأثیرات عملیات روانی
> اطلاعات ناکافی در زمینه‌ی عملیات روانی طی فرآیند طرح‌ریزی	> آگاه کردن مخاطبان در مناطق دور افتاده
> در دسترس نبودن اطلاعات دقیق و کافی	> غلبه بر سانسور، بی‌سوادی و یا قطع سیستم‌های ارتباطی
> موانعی که دسترسی به اطلاعات لازم برای ارزیابی کارآیی عملیات روانی را محدود می‌کند.	> ارائه راهنمایی و اطمینان بخشیدن به مخاطب‌های پراکنده
> فقدان کادر باتجربه و ماهر	> هدف قرار دادن مخالفان به منظور تقلیل روحیه یا کاهش اراده معطوف به مقاومت
> عدم دسترسی به مخاطب بالقوه	> تقویت روحیه رزمندگان در نبردهای سخت
	> بهره‌برداری از تفاوت‌های قومی، فرهنگی، مذهبی یا اقتصادی
	> ارائه راه‌های جایگزین منازعه به مخاطبان مخالف
	> تأثیر گذاشتن بر حمایت‌های محلی از شورشیان
	> حمایت از عملیات فریب
	> ارائه‌ی تصویر مطلوبی از اقدامات در راستای منافع ملی
	> استفاده از ارتباطات رو در رو، افرادی با روابط عمومی قوی، رسانه‌های جمعی و توسل به هرگونه اقدام عملی برای تأثیر گذاشتن بر رفتار مخاطب مورد نظر

**۴- سطوح عملیات روانی در فعالیت‌های نظامی**

**۱) سطح تاکتیکی**

در سطح تاکتیکی؛ عملیات روانی با استفاده از بلندگو، رادیو، تلویزیون، اعلامیه‌های تبلیغاتی و دیگر فعالیت‌های متمرکز محلی به کمک فرماندهان نظامی در صحنه‌ی نبرد می‌شتابند. این فعالیت‌ها که بر نتیجه‌ی نبرد تأثیر می‌گذارند، بر روحیه و اراده‌ی افراد رزمنده‌ی دشمن تأثیر مستقیمی دارند.

اهداف این عملیات و شرایط موفقیت آن در جدول ۲-۲ آمده است: (مارکسی، ۱۳۸۰)

**جدول ۲-۲: اهداف و شرایط موفقیت عملیات روانی تاکتیکی**

اهداف عملیات روانی تاکتیکی	شرایط لازم برای موفقیت
<ul style="list-style-type: none"> <li>&gt; تضعیف روحیه و کارآیی نظامی طرف مقابل</li> <li>&gt; افزایش تأثیر روان‌شناختی سلاح‌های کشنده</li> <li>&gt; حمایت از عملیات فریب</li> <li>&gt; تسهیل اشغال مناطقی از خاک دشمن با اعلام ضرب‌العجل و فراهم کردن نقطه تجمع</li> <li>&gt; حمایت از عملیات روانی استراتژیک با ارائه اطلاعات مشروح و به موقع در زمینه‌ی نقاط ضعف محلی که می‌تواند در طرح‌ها و عملیات استراتژیک به کار برده شود.</li> <li>&gt; دادن اطلاعات و دستورالعمل‌هایی به عناصر خودی که در منطقه مورد نظر عمل می‌کنند.</li> <li>&gt; ارائه‌ی حمایت ویژه و مستقیم به فرماندهان تاکتیکی از طریق یادداشت‌های کوتاه</li> <li>&gt; ارائه تصویر مطلوبی از سربازان و رهبران کشور</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>&gt; شکست‌های متعدد و تلفات سنگین طرف مقابل</li> <li>&gt; اجرای آتش توپخانه سنگین و مؤثر یا بمباران</li> <li>&gt; موقعیت نظامی پرمخاطره</li> <li>&gt; تجهیزات و تدارکات ناکافی و بسیار نازل</li> <li>&gt; خبرهای بد از پشت جبهه</li> <li>&gt; نبردهای متوالی</li> <li>&gt; وادار کردن اقلیت‌های مذهبی و سیاسی به نبرد به رغم میلشان</li> <li>&gt; رهبران و سربازان بی تجربه، آموزش ندیده و بسیار خسته</li> <li>&gt; سربازانی که هدف خاصی ندارند.</li> <li>&gt; بیماری‌های فراگیر و فقدان خدمات پزشکی</li> </ul>

**۲) سطح عملیاتی**

در سطح عملیاتی؛ جنگ روانی بیشتر در حوزه‌های گوناگون جنگ مطرح است و به هنگام طرح‌ریزی عملیات‌های هوایی، زمینی، دریایی و جهت‌گیری فعالیت‌های نظامی دو طرف آشکار می‌شود. زیرا که پیروزی‌ها و شکست‌ها در صحنه‌ی جنگ تأثیر زیادی روی طرح‌های فرماندهان عملیات روانی دارد. اهداف عملیات روانی و شرایط موفقیت آن به شرح جدول ۳-۲ آمده است: (مارکسی، ۱۳۸۰)

**جدول ۲-۳: اهداف و شرایط موفقیت عملیات روانی عملیاتی**

اهداف عملیات روانی عملیاتی	شرایط لازم برای موفقیت
<ul style="list-style-type: none"> <li>&gt; آماده کردن مردم کشور مورد نظر برای ورود نیروهای مهاجم</li> <li>&gt; به حداقل رساندن مداخله‌ی افراد غیرنظامی در عملیات کشور مهاجم</li> <li>&gt; تمرکز بر نقاط ضعف طرف مقابل</li> <li>&gt; مقابله با تبلیغات دشمن</li> <li>&gt; دامن زدن بر ناراضیاتی نیروها و افراد طرف مقابل</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>&gt; ناتوانی دولت مقابل برای تأمین نیازهای مردم</li> <li>&gt; ناموفق بودن طراحان یا افسران طرف مقابل در زمینه‌ی گزارش عملکردشان</li> <li>&gt; نافرمانی و فرار</li> <li>&gt; از بین رفتن ارتباطات داخلی (رادیو، تلویزیون، تلفن و شبکه‌های رایانه‌ای)</li> <li>&gt; نقصان سیستم حمل و نقل</li> <li>&gt; شکست متحدان دولت مقابل برای ارائه‌ی کمک به آن</li> <li>&gt; افزایش حمایت بین‌المللی از تلاش‌های کشور مهاجم</li> <li>&gt; ناتوانی نیروهای مقابل برای شکست یا وارد کردن صدمات به کشور مهاجم یا نیروهای متحد</li> </ul>

### ۳) سطح استراتژیک

آخرین سطح از عملیات روانی، سطح استراتژیک است که تمامی فعالیت‌های انجام شده از سوی دولت را شامل می‌شود. فعالیت‌هایی که برای اعمال نفوذ بر نگرش، ادراک و رفتار خارجیان در راستای اهداف دولت متبوع انجام می‌گیرد. اهداف این عملیات و شرایط لازم بر موفقیت آن به شرح جدول ۴-۲ آمده است: (یزدانی فام، ۱۳۸۲)

جدول ۴-۲: اهداف و شرایط موفقیت عملیات روانی استراتژیک

شرایط لازم برای موفقیت	اهداف عملیات روانی استراتژیک
<ul style="list-style-type: none"> <li>&gt; موفقیت نظامی نیروهای خودی</li> <li>&gt; کمبود غذا، مسکن، پوشاک یا دیگر نیازمندی‌ها در منطقه مورد نظر</li> <li>&gt; فساد مالی و اخلاقی در میان مدیران و رهبران طرف مقابل</li> <li>&gt; توژم و نابرابری مالیات‌ها در کشور مقابل</li> <li>&gt; عدم اتحاد سیاسی و عدم اعتماد بین رهبران طرف مقابل</li> <li>&gt; توسل طرف مقابل به تروریسم، حملات و دستگیری‌های شبانه، سانسور، محدودیت مسافرت و اقدامات سرکوب‌گرانه‌ی دیگر</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>&gt; حمایت و تشریح خط مشی‌ها و اهداف سیاسی در خارج</li> <li>&gt; برقراری پیوند میان تدابیر و اهداف با عواطف و افکار مخاطب</li> <li>&gt; نفوذ بر طراحی تاکتیک‌ها و استراتژی‌های خارجی</li> <li>&gt; دامن زدن به بحث و جدل‌های موجود بین نخبگان نظامی و سیاسی</li> <li>&gt; تشدید آثار تحریم‌های اقتصادی یا اشکال مختلف تحریم‌های غیرخشونت‌آمیز علیه طرف متخاصم</li> <li>&gt; متزلزل کردن رهبری و اهداف طرف مقابل</li> <li>&gt; تضعیف روحیه و کارآیی شهروندان طرف مقابل</li> <li>&gt; تشدید اختلاف نظر و گلایه و شکایت در میان افراد طرف مقابل در زمینه‌های مذهبی، اجتماعی، سیاسی و غیره</li> <li>&gt; مداخله مستقیم در سیستم ارتباطات و کنترل طرف مقابل</li> <li>&gt; جلب حمایت مخاطبان بی‌طرف یا تشویق به تداوم بی‌طرفی آنها</li> <li>&gt; تقویت رهبران طرفدار و تضعیف رهبران مخالف</li> <li>&gt; حمایت از روحیه‌ی نیروهای مقاومت و امیدوار کردن آنها</li> <li>&gt; جلب حمایت مناطق تازه تصرف شده</li> <li>- تقویت و تکمیل عملیات روانی تاکتیکی</li> </ul>



## ۱۲۳-۵ عملیات روانی و دامنه عملیات‌های نظامی

نقش عملیات روانی با توجه به سطح محیط یا فعالیت‌های عملیاتی مورد نظر متنوع است و بستگی به مأموریت واحد پشتیبانی شونده دارد. برای یگان‌های پشتیبانی شونده دو مأموریت متصور است: (نصر، ۱۳۸۱)

### الف) عملیات‌های نظامی غیر جنگی

عملیات نظامی غیر جنگی که ممکن است عملیات روانی مشترک از آنها پشتیبانی کند عبارتند از:

کمک‌های بشردوستانه و یاری به آسیب‌دیدگان حوادث غیر مترقبه طبیعی، کمک‌های امنیتی به کشورهای خارجی، پشتیبانی پدافند داخلی کشورهای خارجی، پشتیبانی پدافند داخلی کشورهای خارجی، عملیات مبارزه با قاچاق مواد مخدر و عملیات صلح‌بانی. این عملیات‌ها بر دو نوع قابل تقسیم‌بندی هستند:

۱) عملیات‌های نظامی غیر جنگی که به کارگیری یا تهدید به بکارگیری نیروهای نظامی را در بر ندارند، در این دسته به آموزش و تمرین‌های درون صحنه‌ای اقدام می‌شود تا در هنگام جنگ، اجرای مناسب عملیات روانی امکان‌پذیر باشد

۲) عملیات نظامی غیر جنگی که استفاده یا تهدید به استفاده از نیروی نظامی را در بر دارند، در این دسته به کارگیری ابزارهای دیپلماتیک، نظامی، اقتصادی و اطلاعاتی قدرت ملی الزامی است. در این نوع از عملیات‌های غیر جنگی، اقدامات غیر مرگبار، مانند عملیات روانی، غالباً سرنوشت‌ساز خواهد بود.

### ب) عملیات نظامی جنگی

به هنگام جنگ، عملیات روانی در سطوح استراتژیکی، عملیاتی و تاکتیکی می‌تواند موفقیت عملیات‌ها در تمامی رده‌ها را افزایش دهد. همچنین، اجرای عملیات روانی می‌تواند به همین اندازه در هر دو عملیات آفندی و پدافندی نیروهای متعارف تأثیرگذار باشد. عملیات ویژه را نیز باید یکی از عناصر تشکیل‌دهنده‌ی جنگ مدرن دانست که ممکن است در حمایت از عملیات‌های نظامی متعارف یا به تنهایی انجام شود. جنگ غیر متعارف، توسعه‌ی پدافند داخلی

کشورهای دیگر، شناسایی ویژه، مبارزه با تروریسم و امور غیرنظامی از جمله عملیات‌های ویژه محسوب می‌شوند که اغلب، عملیات روانی را پشتیبانی می‌کنند.

### ۶- سطوح عملیات روانی در رویکرد نظامی

در رویکرد نظامی، عملیات روانی از نظر سطوح به انواع خاصی تقسیم می‌گردد، که عملیات روانی عملیاتی، تاکتیکی و تحکیمی مهمترین اقسام عملیات روانی در این رویکرد است.

#### الف) عملیات روانی عملیاتی

این نوع عملیات روانی بیشتر در حوزه‌های گوناگون جنگ مطرح است و به هنگام طرح ریزی عملیات‌های هوایی، دریایی و زمینی و جهت‌گیری فعالیت‌های نظامی دو طرف آشکار می‌شود. گستره‌ی این عملیات در سطح منطقه‌ای یا ملی است و مخاطبان منطقه‌ای را مد نظر دارد. عملیات روانی در سطح عملیاتی ویژگی‌های هر دو عملیات استراتژیکی و تاکتیکی را دارا است و مانند پلی این دو را به یکدیگر متصل می‌کند.

#### ب) عملیات روانی تحکیمی

عملیات روانی تحکیمی در مناطق تازه تصرف شده یا در نواحی‌ای که قبلاً در دست دشمن بودند به اجرا در می‌آید. تأکید این نوع عملیات بر بازگشت به حالت عادی می‌باشد. اهداف این نوع از عملیات روانی و شرایط لازم برای رسیدن به آنها در میان رزمندگان طرف مقابل در جدول زیر آمده است:

اهداف عملیات روانی تحکیمی	شرایط لازم برای موفقیت
> ترویج تصویر مطلوبی از نیروهای کشور و متحدانش	> تقویت احساس روانشناختی و فیزیکی
> به کارگیری گویندگان صاحب نفوذ	> مثبت از اشغالگران در مخاطبان مورد نظر
> یاری گرفتن از مردم برای اعاده‌ی نظم	> تعمیر خرابی‌های جنگ
> کاهش حمایت مردمی از نیروهای مخالف	> استقرار مجدد آوارگان غیرنظامی
> تقویت بازسازی و سازمان‌دهی مجدد سیستم کارکردی	> از سرگیری ارائه خدمات اجتماعی
دولت	> از سرگیری صنعت و تجارت

## ج ۱۲۵) عملیات روانی تاکتیکی

این نوع عملیات روانی به طور اخص در رویکرد نظامی متوجه نیروهای نظامی شرکت کننده در عملیات جنگی است که برای حمایت مستقیم از عملیات تاکتیکی نظامی در نواحی مورد نظر طرح ریزی و اجرا می شود.

عملیات روانی تاکتیکی، که می توان آن را «جنگ روانی» نامید، سلسله اقداماتی است که علیه سربازان دشمن، در میدان نبرد یا پایگاه هایشان و یا علیه اتباع دولت مزبور به طور کلی و گروهی از آنها که در عرصه نبرد حاضرند، به طور خاص، می باشد. عملیات روانی در این حالت عملیات محلی بوده و هدف از آن ضعیف کردن مقاومت نیروهای دشمن یا فرا خواندن مردم به همکاری با قوای در حال پیشرفت و همچنین ایجاد مانع در راه تلاش های جنگی دشمن است.

در این عملیات، انتشار اطلاعاتی صحیح و اخبار سفید از شکست های دشمن و انجام مصاحبه با اسیران جنگی یکی از سناریوهای بارزی است که غالباً در عملیات های روانی تاکتیکی مورد استفاده قرار می گیرد. این عملیات و اداره ی آن تحت نظر شعبه ی عملیات روانی در ستاد نیروهای نظامی است و نهادهای خدمات کشوری، امکانات خود را در اختیار این ستاد قرار می دهند.

وظیفه ی شعبه ی عملیات روانی در ارتش به زمان جنگ محدود نمی شود، بلکه نیروهای مسلح، اداره ی عملیات روانی تاکتیکی را در مرحله ی پیش از جنگ به وسیله ی کلیه ی وسایل ارتباطی ممکن، به عهده دارد و مسئولیت این نیروها در توجیه عملیات روانی، حتی پس از توقف نبرد و تا برگشت وضع به حال عادی نیز ادامه دارد. در واقع در دنیای امروز امکان ندارد که خط مرزی بین صلح و جنگ در سراسر طیف بحران از آن استفاده شود. به طور کلی عملیات روانی در نظامی گری را می توان به دو بخش تقسیم بندی نمود:

### ۱- عملیات روانی در زمان صلح

عملیات روانی در زمان صلح با «فعالیت های واقعی و عمل» همراه است. به طور خلاصه می توان این عملیات را «اقدامات خاص» نام نهاد. اقدامات خاص به کارگیری یا تهدید به بکارگیری نیروهای نظامی را در بر ندارند و در درون ارتش به آموزش و تمرین های درون صحنه شامل؛ آموزش های نظامی، پدافند غیر عامل، اظهار نظرهای نظامی، ساخت تأسیسات زیربنایی

نظامی، نمایش تجهیزات، برگزاری مراسمات نظامی و رزمایش‌های مختلف نظامی می‌باشد. در خارج از ارتش می‌توان از امکانات ارتش در جهت کمک‌های بشردوستانه و یاری به آسیب‌دیدگان حوادث غیرمترقبه طبیعی، کمک‌های امنیتی به کشورهای خارجی، عملیات مبارزه با قاچاق مواد مخدر و عملیات صلح‌بانی نام برد.

«اقدامات خاص» که در زمان صلح از اهمیت بسیار بالایی برخوردار می‌باشند، به شرح زیر قابل تفکیک هستند:

(۱) رزمایش‌های نظامی؛ رزمایش‌ها علاوه بر بالا بردن سطح آموزش نظامی از نظر روانی نیز تأثیر بسیار بالایی بر تقویت روحیه نیروها داشته و آنها را از نظر روحی آماده‌ی جنگ و جانفشانی می‌نماید. در واقع تخمی که در آزمایش‌ها کاشته می‌شود در میدان جنگ به درخت تنومندی تبدیل می‌شود که شاخ و برگ آن از هر سو گسترده است.

(۲) کمک‌های بشردوستانه؛ این کمک‌ها نوع دیگری از عملیات غیرنظامی است که ثمره‌ی آن در میدان نبرد به دست می‌آید. (استفاده از امکانات ارتش در جهت مورد نظر در اصل یکصد و چهل و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تجویز شده است). استفاده از این امکانات ملاحظاتی دارد که باید در اقدامات عملی لحاظ شود، مانند:

الف) بهره‌برداری از امکانات در مناطق مستعد بحران؛ برای نمونه راه‌سازی، سدسازی، احداث کانال‌های آبیاری، ساخت مدارس و بیمارستان‌ها و سایر اقدامات عمرانی.

ب) استفاده از امکانات در جهت ایجاد تسهیلاتی برای مرزنشینان و خصوصاً عشایر مرزنشین، به طور مثال استفاده از خودروها در حمل و نقل عشایر از ییلاق به قشلاق و بالعکس، تسلیح فصلی عشایر در ایجاد امنیت برای خود تحت کنترل ارتش خصوصاً در زمان حرکت از ییلاق به قشلاق و بالعکس.

ج) مشارکت در ایجاد امنیت برای عشایر و مرزنشینان با همکاری نیروی انتظامی به طوری که اغلیت عملکرد با نیروهای نظامی باشد.

ه) استفاده از امکانات نیروهای نظامی در مناطق مستعد بحران، به ویژه مناطقی که مردم آن سابقه‌ی شورش و جنگ با دولت مرکزی را دارند، باعث ایجاد پیوند عاطفی بین نیروهای نظامی و مردم آن ناحیه خواهد شد. چه اینکه در جنگ‌های شورشگری، تکیه اصلی نیروهای چریک

۱۲۷  
ضددولتی بر نیروی مردم است و بدون مردم به سادگی از هم خواهد پاشید و به قول «مائو» رهبر انقلابی چین «چریک در میان مردم مانند ماهی در آب است.» و این اقدام در زمان صلح در مرحله‌ی نخست باعث جلوگیری از شکل‌گیری نیروهای شورش‌گر ضددولتی خواهد شد و در مرحله‌ی دوّم مانع پیوستن نیروهای مردمی به سازمان شورش‌گر شده و یا دست‌کم آن را کاهش می‌دهد.

## ۲- عملیات روانی در زمان جنگ

بخش دیگری از عملیات روانی ارتش مرتبط با عملیات‌های جنگی ارتش است که در زمان جنگ صورت می‌گیرد. منظور از جنگ روانی که در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد آن دسته از اقداماتی است که نیروهای نظامی در میدان‌های نبرد به جهت پشتیبانی از عملیات جنگی مورد استفاده قرار می‌دهند. موضوع جنگ روانی در پشتیبانی از عملیات جنگی پیچیده و نیاز به تخصص در این حوزه دارد. جنگ روانی به چند طریق نیروهای رزمی را پشتیبانی می‌کند:

- ۱) سربازان دشمن را تشویق و راهنمایی به تسلیم شدن می‌کند.
- ۲) با حملات روانی، تأثیر سلاح‌های مرگبار را افزایش می‌دهد.
- ۳) برای مقابله با تبلیغات دشمن به کار می‌رود.
- ۴) بخش‌هایی از اطلاعات واقعی را که گزینش شده‌اند، به دشمن ارائه می‌کند.
- ۵) با تأکید بر بی‌فایده بودن جنگ، روحیه‌ی دشمن را تضعیف می‌کند.
- ۶) برای پشتیبانی از پارتیزان‌ها و چریک‌های دوست مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- ۷) برای کنترل شهروندان دوست یا دشمن در منطقه‌ی جلویی نبرد، به کار گرفته می‌شود.
- ۸) در اقدامات مربوط به کنترل خسارت‌ها و دفاع در پشت جبهه به کار می‌رود.
- ۹) برای اعلام و انتشار اعلامیه‌های نظامی استفاده می‌شود.

## ۷- اهداف عملیات روانی در عملیات‌های رزمی

عملیات روانی در لشکرکشی‌ها به منظور نیل به اهداف، اقدامات متعددی را دنبال می‌نماید که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

## ۱) درک دشمن

عملیات روانی به منظور بالا دو اقدام را باید انجام دهد:

الف) درک از دشمن در بین نیروهای خودی (دشمن شناسی)

ب) ایجاد تغییر در ادراکات دشمن؛ یک فرمانده نظامی باید متوجه آنچه که در جریان ارتباط با دشمن به او انتقال می‌یابد و یا از او به دست می‌آورد باشد. او باید پی ببرد که دشمن چه چیزهایی را باید بداند؟ و چه چیزهایی را نباید بداند؟ او باید چه عقیده‌ای را پیدا کند؟

## ۲) تعیین بدیل‌های پیش روی دشمن

در انجام عملیات روانی در لشکرکشی‌ها به منظور از بین بردن انگیزه‌ی جنگی دشمن، صرف تقبیح جنگ و اینکه او باید از جنگ دست بکشد کافی نیست، بلکه همزمان باید به او گفت که چه بکند. راهنمایی به اینکه چه کارهایی را باید بکند، در مقابل اعمالی که نباید انجام دهد، بدیل‌هایی است که پیش روی او می‌گذاریم. به عبارت ساده‌تر، باید به سرباز دشمن بگوییم که به جای جنگیدن چه کار دیگری بکند و در صورت نجنگیدن چه پاداشی از ما دریافت می‌کند. تعیین بدیل در جنگ‌های داخلی از ارزش بیشتری برخوردار است. به طور مثال دادن امان‌نامه و شغل مناسب با درآمد مکفی برای یک چریک شورشی بدیل مناسبی در ازاء دست کشیدن از جنگ می‌باشد.

## ۳) تشویق و راهنمایی دشمن به تسلیم شدن

همانطوری که قبلاً گفته شد، جنگ‌های روانی که بر ضد سربازان دشمن صورت می‌گیرد برای تحقق دو نوع واکنش است. یکی اینکه انگیزه‌ی سربازان را در جنگیدن از بین ببرد و او را نسبت به مسئله‌ی جنگ بی‌علاقه نماید و دیگر اینکه عملیات روانی تأثیر شدیدتری بر سرباز بگذارد و او را به اقدام عملی مانند تسلیم شدن، ترک موضع و... که بر سرنوشت نبرد تأثیر مستقیم دارد وادار نماید.

فرمانده عملیات روانی و متخصصین برنامه‌های اجرایی باید طوری برنامه‌ریزی نمایند که هدف اصلی آنها از اجرای عملیات روانی به تدریج حاصل شود. بدین معنی که آنان حق ندارند از همان ابتدای آغاز عملیات جنگ روانی در یک محور عملیاتی خواسته‌ی خود را که تسلیم

نیروهای دشمن می‌باشد به یکباره و بدون مقدمه چینی اعلام نمایند. این عملیات را می‌توان در سه مرحله به اجرا در آورد:

الف) ایجاد تردید در زمینه‌ی هدف از آغاز جنگ؛ چشم‌انداز آینده‌ی جنگ؛ زیان‌ها و خسارت‌هایی که با ادامه‌ی جنگ به کشور و مردم وارد می‌شود؛ نقش قدرت‌های بیگانه در آغاز و تداوم جنگ.

ب) ترغیب به تمرّد و سرپیچی از دستور فرماندهان، تمارض و اعزام به بیمارستان، فرار از خدمت و پیوستن به آغوش گرم خانواده.

ج) درخواست تسلیم شدن با ذکر این نکته که اگر از تمرّد و سرپیچی از دستورات مافوق هراس دارید و اگر می‌ترسید که در صورت فرار از خدمت دستگیر و مجدداً به خدمت اعزام شوید؛ اگر از مجازات می‌ترسید، پس بیایید راه آسانتری را انتخاب کنید. آغوش ما به روی سربازانی که به ما پناهنده می‌شوند باز است؛ بدانید که ما پناهندگان را اسیر جنگی محسوب نمی‌کنیم بلکه با آنها به عنوان مهمان رفتار می‌کنیم.

باید دانست که عملیات روانی شمشیر دولبه است و اگر درست عمل نشود می‌تواند نتیجه‌ی عکس دهد و به همین لحاظ برنامه‌های اجرایی باید توسط متخصصین این حرفه تهیه و اجرا شود. توجه به اصول و مبانی عملیات روانی در تهیه، تدوین و اجرای این عملیات ضروری است.

### نتیجه‌گیری

Z عملیات روانی در دنیای امروز تنها محدود به سازمان‌های نظامی نیست و حوزه‌ی آن تا سطح نهادهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی گسترش یافته است.

Z با توسعه‌ی فن‌آوری ارتباطات، حوزه‌ی عملیات روانی، محدود به مرزهای جغرافیایی و مکان مشخصی نیست و حوزه‌ی عمل آن، فراتر از چنین مرزهایی، روان و ذهن کلیه‌ی افراد جامعه‌ی هدف را در بر می‌گیرد.

Z عملیات روانی تنها محدود به زمان جنگ نیست بلکه می‌تواند در هر زمان در جریان باشد.

Z عملیات روانی به منظور تحمیل اراده و خواست کشور مجری بر روی کشور هدف اجرا می‌شود.

Z عملیات روانی نظامی که می‌توان آنرا «جنگ روانی» و یا «عملیات روانی نظامی» نامید با هدف تأثیرگذاری بر نیروهای دشمن و غیرنظامیان ساکن در مناطق اشغالی و یا آزادشده طراحی و اجرا می‌شود. این عملیات در پشتیبانی از مأموریت فرمانده بوده و برای دستیابی به حداکث موفقیت باید تابع شرایطی باشد. این شرایط ایجاب می‌نماید که این عملیات:

- جزء لاینفک عملیات‌های نظامی باشد.
- برای دستیابی به حداکثر قدرت خود، باید بین تمام سطوح آن هماهنگی و انسجام باشد.

### فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- صلاح، (۱۳۸۱)، جنگ روانی، ترجمه محمود حقیقت کاشانی، تهران: انتشارات سروش ص ۸۳
- ۲- کالینز، جان ام، (۱۳۷۰)، استراتژی بزرگ ترجمه کورش بایندر، تهران: انتشارات دفتر سیاسی وزارت خارجه ص ۴۸
- ۳- دانکن مارکسی، (۱۳۸۰)، فرآیند طرح ریزی عملیات روانی نظامی، ترجمه پریسا کریمی، فصلنامه عملیات روانی، معاونت فرهنگی ستاد مشترک سپاه شماره ۲ ص ۹۴
- ۴- عملیات روانی، (۱۳۸۵)، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، ص ۱۱
- ۵- یزدان فام، محمود، (۱۳۸۲)، فرآیند اثرگذاری عملیات روانی، فصلنامه عملیات روانی اداره فرهنگی ستاد مشترک سپاه، ص ۲۲